

هند، لبنان و... بر اساس آمار این گروه‌ها، عمدتاً کاربر پلتفرم‌های اثرگذار خارجی مانند فیس‌بوک‌اند.

۲. تکرار تجربه حمایت‌گرایی ناموفق دولتی؛ مثلاً تجربه صنعت خودروسازی برای اکوسیستم دیجیتال که به سبب فقدان نگاه بین‌المللی و توزیع رانت دولتی باعث تکرار فسادهای نجومی می‌شود.

۳. نمایان شدن اختلاف‌نظرها و چالش‌های درونی نظام، کاملاً بی‌نتیجه و غیرضروری است و می‌تواند بر کاهش قدرت حکمرانی کشور دامن بزند.

۴. ایده خدمات پایه و کاربردی بر فرض امکان‌پذیر بودن خودکفایی در اقتصاد دیجیتال است و اجماعی بر سر درستی آن وجود ندارد. صاحب‌نظران درباره فراهم بودن اسباب و مقدمات استقلال کشور نسبت به شبکه جهانی اظهار تردید کرده‌اند؛ برای نمونه، درباره امکان‌سنجی تعداد کاربران همزمان در مقیاس کلان، کفایت ظرفیت فضای رایانش ابری داخلی یا کنترل DNSها، وابستگی به ماهواره‌های GPS و نظایر آن تردیدهای جدی وجود دارد.

۵. تجربه تعامل با دولت‌ها و شرکت‌های غیرامریکایی مانند چین، روسیه و ژاپن برای سرمایه‌گذاری و فعالیت در حوزه اقتصاد دیجیتال در دولت دوازدهم، عمدتاً با بی‌محلگی طرف مقابل و مخدوش شدن عزت و اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران همراه بوده است.

پرده سوم

• یک قانون بد، بهتر از بی‌قانونی نیست؟

تجربه فیلترینگ تلگرام و کلاب‌هاوس نشان داد که با بحران مسئولیت در نظام حکمرانی فضای مجازی کشور مواجهیم. به‌صورت منظم میزبان نمایندگان نهادهای رنگارنگ مرتبط و غیرمرتبط با این موضوع هستیم و تصمیماتی گرفته می‌شود، اما کسی مسئولیت این تصمیم را بر عهده نمی‌گیرد. اساساً ساختار به‌نحوی است که افراد می‌توانند از زیر بار مسئولیت فرار کنند و خودشان را از کاری که کرده‌اند، جدا کنند؛ بدون نگرانی از افشای نام و جزئیات اتفاق.

درباره کلاب‌هاوس هیچ‌گاه نحوه و جزئیات تصمیم بر فیلترینگ آن مشخص نشد. حتی پس از شکایت رسمی وزارت ارتباطات و وقت، عالی‌ترین دستگاه متولی حوزه ارتباطات و زیرساخت در کشور، هم تغییر محسوسی در وضعیت حاصل نشد.

دو مقوله را نباید با هم اشتباه گرفت؛ پهنای باند بین‌الملل به‌معنای عام کلمه و پهنای باند خدمات یا سکوی دیجیتال خاص. حتی برای کاربران عادی و غیرحرفه‌ای اینترنت هم احتمالاً شگفت نیست که در سال‌های اخیر همواره پهنای باند اپلیکیشن‌های خاصی در کشور بنا به اقتضائات امنیتی یا ملاحظات سیاسی-فرهنگی کاملاً غیرشفاف، بویژه در برخی بازه‌های زمانی معین؛ برای مثال ساعات پیک مصرف اینترنت تغییر کرده و محدودیت‌هایی بر آن اعمال شده است. این پدیده در بن و بنیاد خود با نبود شفافیت‌گره خورده و طبیعتاً پاسخگویی در زمینه مسئولیت این اعمال محدودیت وجود ندارد. از این منظر، تلاش ستودنی نسخه اخیر طرح «نظام تنظیم مقررات» برای بنای نهادن سدی منطقی و مردم‌سالارانه بر سر این قبیل اختیارات بی‌قیدوشرط ناشفاف و توسعه قلمرو حقوق سیاسی-اجتماعی کاربران از این رهگذر مشهود و انکارنشده است.

در ضمانت اجرای طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی، اعمال خط‌مشی ترافیک مطرح شده بود که اعمال کردن آن هم منوط به دستورالعملی است که توسط وزارت ارتباطات تهیه می‌شود. هرچند اقلان و

چانه‌زنی در زمین گروه‌های ذینفع پر قدرت و دیرپای این حوزه، در فرایند تهیه چنین دستورالعملی مشقت بار و شدیداً چالش‌برانگیز خواهد بود اما نتیجه هر چه که باشد، نشانه‌ای بر قانونمند شدن این اتفاق قلمداد می‌شود؛ به‌نحوی که شاید دیگر پس از این به‌راحتی شاهد استفاده از این ابزارها برای اعمال محدودیت نباشیم.

پرده آخر

• مانور در کوچه خلوت

هانا آرنت در کتاب وضع بشر می‌نویسد: «تحت شرایط جهان مشترک، آنچه ضامن واقعیت است، در درجه اول طبیعت مشترک همه انسان‌هایی که سازنده این جهان‌اند، نیست؛ بلکه این امر واقع است که به‌رغم اختلاف مواضع و در نتیجه تنوع منظرها، سروکار همه کس همواره با امری یکسان است. اگر یکسانی را دیگر نتوان تشخیص داد، طبیعت مشترک انسان‌ها، چه رسد به هم‌رنگی با جماعت یا هم‌رنگی خواهی غیرطبیعی جامعه توده‌ای، نمی‌تواند مانع از نابودی جهان مشترک شود که معمولاً مسبوق به نابودی و جوه بسیاری است که این جهان مشترک خود را در آن وجوه بر تکرار انسانی ظاهر می‌سازد. چنین چیزی تحت شرایط انزوای تمام‌عیار ممکن است رخ دهد که در آن دیگر هیچ‌کس با هیچ چیز نمی‌تواند هم‌داستان شود و این وضعیتی است که معمولاً در حکومت‌های استبدادی وجود دارد. پایان جهان مشترک زمانی است که این جهان تنها از یک وجه دیده شود و مجالش در آن حد باشد که تنها از یک نظرگاه خود را ظاهر سازد» [۱].

با گذشت بیش از یک سال از پایان موقت پرونده سیانت، مرور دغدغه‌های چهارگانه در ابتدای این یادداشت که فلسفه‌شکل‌گیری اولیه طرح سیانت‌راندمندی می‌کنند، با نتایج جالبی همراه خواهد بود. موضوع تسهیم درآمد ترافیک داخلی که دغدغه تولیدکنندگان عمده و اثرگذار محتواست در اواخر سال ۱۴۰۱ و پیرو مصوبات شورای عالی فضای مجازی و سپس دستورالعمل‌های اجرایی شرکت ارتباطات زیرساخت در بستری مجزا و به‌دور از هیاهوی علنی مجلس و فضای عمومی-نخبگانی پیگیری شد. مصوبه هشتادویکمین جلسه شورای عالی فضای مجازی در اردیبهشت ۱۴۰۱ با عنوان «شرح وظایف، اختیارات و ترکیب اعضای کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» عملاً بخش‌های مرتبط با تقویت نقش و دامنه اختیارات مرکز و شورای عالی فضای مجازی در نظام حکمرانی فضای مجازی کشور را در سکوت خبری و با اعمال تغییراتی در مقایسه با آخرین نسخه عمومی طرح سیانت تعیین تکلیف کرد. موضوعی که البته پس از حدود ۵ ماه و از طریق روزنامه رسمی صرفاً به اطلاع عموم رسید.

اما پیگیری دغدغه اعمال حکمرانی بر رسانه‌های اجتماعی خارجی و چالش دیرینه تسهیم درآمد ترافیک بین‌الملل و موازنه ترافیک داخلی/بین‌الملل به کجا رسید؟ در شهریورماه ۱۴۰۱ و با نظر شورای عالی امنیت ملی، رسانه‌های اجتماعی خارجی موضوع طرح سیانت، از دسترس کاربران ایرانی خارج شدند و این تصمیم با گذشت نزدیک به ۷ ماه، همچنان برقرار است. از این رو، می‌توانیم اصلی‌ترین موضوع مورد نظر قانونگذار را از تدوین این طرح و نسخه‌های پی‌درپی آن، سالبه به‌انتفاء موضوع بدانیم. جالب اینکه، مصوبه شورای عالی فضای مجازی در تبصره‌ای بسیار مبهم و فاقد ضمانت اجرایی تصریح می‌کند: «موارد اعمال انسداد مربوط به خدمات دهندگان فضای مجازی با بیش از ۳ میلیون کاربر، پیش از اقدام، به مرکز ملی فضای مجازی کشور اطلاع داده شود.»

[۱] صفحه ۴-۳

تحت شرایط
جهان مشترک،
آنچه ضامن
واقعیت است،
در درجه اول
طبیعت مشترک
همه انسان‌هایی
که سازنده این
جهان‌اند،
نیست؛ بلکه این
امر واقع است که
به‌رغم اختلاف
مواضع و در نتیجه
تنوع منظرها،
سروکار همه کس
همواره با امری
یکسان است